

وزیر اقتصاد:

با ابزار های نوین مالی، مانع انباشت بدهی بیمه‌ها به شبکه سلامت شویم



در آیین رونمایی از نخستین برات الکترونیک در صنعت بیمه با حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی، بر ضرورت استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی برای مدیریت زنجیره بدهی‌ها و جلوگیری از انباشت بدهی به شبکه سلامت و درمان کشور تأکیدشد.

به گزارش اقتصادسرا آمد، سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در این آیین با تأکید بر ضرورت توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی اظهار کرد: استفاده از این ابزارها برای مدیریت زنجیره بدهی‌ها، از جمله بدهی‌هایی که از دولت آغاز می‌شود، یک الزام و نیاز جدی است.

وی با اشاره به ابزارهایی همچون اوراق گام و اعتبار اسنادی (LC)، بر لزوم بهره گیری از ظرفیت این ابزارها در زنجیره تأمین مالی و توسعه استفاده از آن‌ها در صنعت بیمه تأکید کرد.

وزیر اقتصاد با اشاره به ارتباط مستقیم صنعت بیمه با حوزه سلامت و درمان تصریح کرد: شبکه سلامت باید در اولویت قرار گیرد؛ چراکه بروز مشکل در این بخش، مستقیماً بر زندگی و سلامت مردم تأثیر می‌گذارد.

مدنی‌زاده با تأکید بر ضرورت جلوگیری از انباشت بدهی شرکت‌های بیمه به مراکز درمانی، خواستار آن شد که شرکت‌های بیمه با استفاده از سازو کارهای انگیزشی و تمهیدات لازم، به سمت بهره‌گیری از ابزارهای نوین تأمین مالی حرکت کنند تا از اختلال در ارائه خدمات به شبکه سلامت جلوگیری شود.

وی همچنین بر ضرورت استفاده از ظرفیت‌های شبکه بانکی با هماهنگی بانک مرکزی تأکید کرد و خواستار مشارکت فعال بانک‌ها در این زمینه شد.وزیر اقتصاد، هماهنگی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و برگزاری جلسات مشترک با حضور بازیگران اصلی شبکه سلامت را نیز ضروری دانست تا با همکاری دستگاه‌های مرتبط، زمینه مدیریت بدهی‌ها و تدویم ارائه خدمات درمانی فراهم شود. گفتنی است، نخستین برات الکترونیک صنعت بیمه با همکاری بیمه البرز و بانک تجارت رونمایی شد. این ابزار مالی، گامی در مسیر تسهیل پرداخت خسارت‌های درمان و تأمین مالی زنجیره‌ای به شمار می‌رود.مدیریت نقدینگی شرکت‌های بیمه،افزایش رضایت ذینفعان و توسعه تأمین مالی زنجیره‌ای، سه دستاورد مورد انتظار از به کارگیری این برات الکترونیک است که می‌تواند به بهبود فرایندهای مالی در صنعت بیمه و تسهیل تعامل میان شرکت‌های بیمه، مراکز درمانی و سایر ذی‌نفعان کمک کند.

همتی:

هیچ کس نگران تأمین کالاهای اساسی نباشد



رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به تأمین ارز کالاهای اساسی، گفت: هیچ کس نگران تأمین کالاهای اساسی نباشد، بانک مرکزی پیش‌بینی‌های لازم را در این باره انجام داده و جای نگرانی نیست، به گزارش اقتصادسرا آمد، عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی در هفتادمین جلسه ستاد رسانه ای فضای مجازی کشور به تشریح ابعاد مختلف اقدامات و مأموریت‌های بانک مرکزی پرداخته و گفت: از ابتدای امسال تاکنون ۲۵ میلیارد دلار برای تولید، تأمین ارز شده و این روند تأمین ارز ادامه دارد و در این زمینه، مشکلی نخواهیم داشت. وی اظهار داشت: روند رشد نرخ دلار با اقدامات متعددی که بانک مرکزی انجام داده، کاهش‌یافته و این روند کاهش‌یافته خواهد داشت اما دشمن در تلاش است با شوک رسانه‌ای و اخبار جعلی و دروغ، این روند را متوقف کند و به‌طور قطع با همت مسئولان و کمک مردم عزیزمان، موفق نخواهند شد.

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه نقدینگی در ۳ ماه گذشته کاهش داشته‌است، از کاهش تورم نقطه به نقطه در مهر ماه خبر داد و تأکید کرد: دشمن تلاش‌های زیادی برای ایجاد اختلال در ابعاد مختلف اقتصادی کشور، انجام داده اما تاکنون با برنامه ریزی مدون و همکاری بسیار خوب مردم، موفق نشده و بعد از این هم موفق نخواهد شد. هفتادمین جلسه ستاد رسانه ای فضای مجازی کشور به ریاست سید محمد امین آقامیری رئیس مرکز ملی فضای مجازی و با حضور دکتر همتی رئیس کل بانک مرکزی، از گان‌های رسانه‌ای کشور و نمایندگان رسانه‌های مختلف کشور در مرکز ملی فضای مجازی برگزار شد. در ابتدای این نشست، گزارشی از وضعیت رسانه‌ای کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله نرخ ارز و طلا توسط ستاد رسانه‌ای فضای مجازی کشور ارائه شد و اعضای جلسه نکات و پیشنهادات خود را بیان کردند.



جهانی، باید از خاک کشوری دیگر عبور کند؛ هزینه چندبرابر، وابستگی به اراده سیاسی همسایه، و ریسک دائمی بسته شدن مسیر.



ما باید از کارهایی آغاز کنیم که ریسک کمتر، نیاز به سرمایه کمتر، مقیاس خردتر، و دوره بازگشت سرمایه سریع‌تری دارند؛ و تنها پس از آنکه این لایه‌های اولیه جا افتادند، به تدریج به سمت کارهای سنگین‌تر، پری‌ریسک‌تر و با حجم سرمایه گذاری بالاتر حرکت کنیم

گروه اقتصادبین‌الملل – زمانی‌فر– افغانستان را بیشتر با جنگ، بی‌ثباتی و فقر می‌شناسیم. اما زیر همین پوسته، ذخایر معدنی قابل توجهی خوابیده است. آن‌هم در حالی که بخش بزرگی از خاک این کشور هنوز به‌طور جدی اکتشاف نشده است.

بر اساس برآوردهای زمین‌شناسی آمریکا (USGS) و مقامات افغان، ارزش کل ذخایر معدنی افغانستان بین یک تا سه تریلیون دلار تخمین زده می‌شود؛ رقمی که یک یادداشت داخلی پنتاگون، این کشور را «عرستان سعودی لیتیم» نامیده. از جمله ارقام شناخته‌شده: حدود ۲.۲ میلیارد تن سنگ آهن با عیار ۶۱ تا ۶۹ درصد، حدود ۵۸ تا ۶۰ میلیون تن مس (از جمله معدن عینک)، و حدود ۱.۴ میلیون تن عناصر نادر خاکی؛ در کنار ذخایر قابل توجه لیتیم در نورستان، هرات و غزنی، و نیز کروم، سرب، روی، بوکسیت و سنگ‌های قیمتی مانند لاجورد و زمرد.

از ۲۰۲۱ تاکنون بیش از ۲۰۵ قرارداد معدنی با بیش از ۱۵۰ شرکت امضا شده و تا اواسط ۲۰۲۴ بیش از ۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی از جمله چین، قطر، ترکیه، بریتانیا و ایران جذب اعلام شده است. علی‌رغم امضای این قراردادها و پتانسیل‌های عظیم، بخش معدن افغانستان هنوز به‌طور عملیاتی فعال نشده است.

موانع توسعه معدنی و مسئله ژئواکونومیک

این موانع و کمبودها کاملاً ملموس و چندلایه اند: دهه‌ها جنگ و بی‌ثباتی سیاسی، ریسک بالای امنیتی برای سرمایه‌گذاران، بحران شدید انرژی و کمبود برق پایدار برای کارخانجات صنعتی، نبود شبکه ریلی یکپارچه و جاده‌های استاندارد، کمبود منابع برای فراوری، ضعف ساختاری نهادهای دولتی، نبود آزمایشگاه‌های معتبر و استانداردهای تعیین عیار، شفافیت پایین در اعطای قراردادها، و وابستگی شدید اقتصادی به کمک‌های خارجی.

اما نکته مهم‌تر این است: فرض کنیم فردا همه این موانع داخلی هم حل شود انرژی سامان بگیرد، امنیت کامل برقرار شود، زیرساخت‌های داخلی ساخته شوند و نهادهای قوی شوند. افغانستان باز هم با یک مسئله بنیادین و حل‌نشدنی روبروست: این کشور به آب‌های آزاد دسترسی ندارد. هر تن مساده معدنی اش، برای رسیدن به بازار

«ثروت نهفته افغانستان» در محاصره خاک

ارزیابی ذخایر و چشم‌انداز ثروت زیرزمینی افغانستان

نقشه راه عملیاتی: راهبرد توسعه گام به گام و مدیریت ریسک

درس این دو نکته، یک اصل روشن برای رفتار ما با افغانستان می‌سازد: حرکت باید از پایین به بالا باشد، نه از بالا به پایین. باید از رابطه مستقیم بخش خصوصی دو طرف آغاز کنیم بدون نیاز به هیچ توافق رسمی، بدون بروکراسی دولتی و بگذاریم این رابطه به مرور رشد کند و بالغ شود. تنها پس از آنکه این لایه خصوصی جافتاد، اعتماد ساخت و سود ملموس نشان داد، حضور دولت و نهادهای رسمی معنا پیدا می‌کند و می‌توان به تدریج تا سطح وزارتخانه‌ها بالا رفت. در نبود نهادهای رسمی قوی در افغانستان، شروع از سطح کلان معمولاً یا به بن بست می‌خورد یا به توافق‌های کاغذی بی‌ضمانت اجرا منتهی می‌شود؛ در حالی که پایه گذاری از پایین، وابستگی متقابل واقعی می‌سازد که حتی در شرایط تنش سیاسی هم پایدار می‌ماند. در هر گام از این مسیر، بخش کم‌ریسک باید در خاک ایران تعریف شود و بخش پری‌ریسک در خاک افغانستان اما هیچ کدام بدون دیگری به نتیجه نمی‌رسد.

همین منطق، در سطح پروژه‌ها هم باید حاکم باشد: ما باید از کارهایی آغاز کنیم که ریسک کمتر، نیاز به سرمایه کمتر، مقیاس خردتر، و دوره بازگشت سرمایه سریع‌تری دارند؛ و تنها پس از آنکه این لایه‌های اولیه جافتادند، به تدریج به سمت کارهای سنگین‌تر، پریسک‌تر و با حجم سرمایه گذاری بالاتر حرکت کنیم. این توالی نباید معکوس شود؛ چون بدون تثبیت لایه‌های کم‌ریسک، هر جهش به سمت پروژه‌های سنگین، فاقد پایه تجربی، اعتماد متقابل و زیرساخت لازم برای موفقیت خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

افغانستان سرزمینی است که در ظاهر فقیر و در باطن ثروتمند است. اما هر چقدر هم که این ثروت باشد، بدون دسترسی به آب‌های آزاد، ثبات و زیرساخت، به توسعه منتهی نمی‌شود؛ و حتی حل همه مشکلات داخلی افغانستان هم مسئله‌دار نبود دسترسی به آب‌های آزاد را حل نمی‌کند. ایران، از طریق چابهار، تنها کشوری است که می‌تواند این حلقه مفقوده را کامل کند و امکان حمل و نقل ارزان و حجیم را فراهم آورد، اما شرط اصلی، دیدن کامل زنجیره معدن و رفتن گام به گام از پایین به بالاست: از کارهای کم‌ریسک و کم‌سرمایه، تا در نهایت سپهیم شدن در سنگین‌ترین حلقه‌های صنعتی. از معدن تا آب‌های آزاد، و از آب‌های آزاد تا بازار؛ این مسیری است که می‌تواند فقر افغانستان را به فرصت، و ثروت آن را به توسعه پایدار منطقه‌ای تبدیل کند.

ذخیره زیرزمینی، به تنهایی به صادرات رقابتی تبدیل نمی‌شود.

در این میان، مسیرهای جایگزین منطقه‌ای مانند پاکستان (بندر گوادر)، به دلیل چالش‌های شدید سیاسی، ناامنی مسیر، ضعف زیرساختی، پیوندهای ضعیف‌تر و هزینه‌های بالای ترانزیت، توان رقابت با مسیر ایران را ندارند. بندر #چابهار، به همراه موقعیت جغرافیایی ایران، پیوندهای فرهنگی و زبانی، و دانش فنی بومی شده در بخش معدن، ایران را به منطقی‌ترین و شاید تنها شریک منطقه‌ای در حوزه لجستیک برای فعال‌سازی این ثروت تبدیل می‌کند. چابهار همان چیزی است که باید روی میز باشد نه یک گزینه حاشیه‌ای، بلکه اصل موضوع.

آسیب‌شناسی رویکرد داخلی: شتاب زدگی و تقلیل گراییدر زنجیره ارزش

اما همین اهمیت واقعی است که ما را به دام می‌اندازد. رویکرد ما در عمل، اغلب بی‌برنامه و پرشتاب بوده: طمع می‌کنیم، و می‌خواهیم یک راست برویم سراغ بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین معدن، بدون آنکه هیچ زیربنایی برای آن ساخته باشیم. این خطا دو نکته مستقل دارد. نکته اول این است که ما زنجیره معدن را اشتباه تصور می‌کنیم. معنای افقش آفرینشی در معدن، «خلاصه در خود معدن نیست. ما عادت داریم معدن را فقط «استخراج» یا در بهترین حالت «استخراج + کارخانه» ببینیم؛ در حالی که این زنجیره بسیار طولانی‌تر است و اکتشاف، معنای انرژی، تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات، آموزش نیروی متخصص، حمل و نقل و لجستیک، آزمایشگاه و تعیین عیار، بیمه و تأمین مالی، فراوری اولیه، صنایع میانی و در نهایت بازار و صادرات را هم در بر می‌گیرد. وقتی این زنجیره کامل دیده نشود، بیعتنا تنها گزینه روی میز «رفتن مستقیم سراغ معدن» به نظر می‌رسد؛ در حالی که ایران می‌تواند بدون مالک شدن هیچ معدنی، در حلقه‌های انرژی، تجهیزات، فراوری با ترانزیت نقش آفرین باشد همان حلقه‌های گلوگاهی که ریسک سیاسی کمتری را نیز دارند.

نکته دوم، طمع پروژه بزرگ، ما با رویکرد برداشتن سنگ بزرگ جلو رفته‌ایم، بعد از مدتی دیده ایم که به هدف نمی‌رسیم، و در نهایت خط بطلان روی کل ایده حضور در افغانستان کشیده‌ایم انگار که خود ایده اشتباه بوده. اما علت شکست، نفس ایده نبود؛ علت این بود که گام به گام پیش نرفتیم. بدون شناخت طرف افغان، بدون تجربه عملیاتی در مقیاس کوچک، و بدون اثبات شدن مسیرها پیش از هر جهش بزرگ، هر پروژه سنگین از همان ابتدا محکوم به توقف بوده و ما این ناکامی را به حساب نادرست بودن کل فرصت گذاشته‌ایم، نه به حساب روش غلط مان.

نماینده ایران در نشست معاونان گروه ۲۴:

سه‌میه صندوق بین‌المللی پول و ساختار سهامداری بانک جهانی اصلاح شود

چهارمین محور پیشنهاد نماینده کشور ایران به تأمین مالی اقلیمی و ضرورت پایبندی به تعهدات بین‌المللی در قبال کشورهای در حال توسعه اختصاص داشت. نماینده کشور ایران با اشاره به کنار گذاشته‌شدن هدف ۴۵ درصدی «منافع هم‌زمان اقلیمی (Climate Co-benefits)» گروه بانک جهانی و همچنین موضوع پس‌گرفتن یا کاهش برخی تعهدات کمک مالی به صندوق‌های چندجانبه اقلیمی، بر ضرورت حفظ و تقویت تعهدات بین‌المللی تأمین مالی اقلیم تأکید کرد. وی در این زمینه خواستار آن شد که در متن بیانیه گروه ۲۴، بر تحقق کامل و به‌موقع هدف تأمین مالی اقلیمی سالانه دست کم ۳۰۰ میلیارد دلار برای کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۵، مطابق توافق بیست‌ونهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (COP۲۹)، با پیشگامی کشورهای توسعه‌یافته عضو، تأکید شود.

ماجد خاطرنشان کرد که تحقق تعهدات تأمین مالی اقلیمی، از منظر تأمین منابع مالی قابل اتکا و پیش‌بینی‌پذیر برای کشورهای در حال توسعه، اهمیت اساسی دارد و انعکاس صریح این موضوع در بیانیه گروه ۲۴ می‌تواند به تقویت پیام مشترک کشورهای عضو در این زمینه کمک کند.

مجموعه پیشنهادهای نماینده کشور ایران در نشست معاونان گروه ۲۴، چهار حوزه مرتبط با عدالت و همکاری اقتصادی بین‌المللی را در بر می‌گیرد: ضرورت کاهش آثار اقتصادی منازعات و اعمال اجبار، اصلاح سازوکار تعیین سهمیه سهامداری گروه بانک جهانی و اجرای مؤثر تعهدات بین‌المللی تأمین مالی اقلیمی. معاون اقتصاد ایران با اشاره به بازنگری سهامداری سال ۲۰۲۵ و ضرورت تعیین تکلیف سهام تخصیص‌نیافته بانک بین‌المللی تریم و توسعه (IBRD) و شرکت مالی بین‌المللی (IFC)، خواستار توجه به گام‌های بعدی در ساختار سهامداری این دو نهاد شد. وی همچنین بر اهمیت بازنگری سهامداری سال ۲۰۳۰ به‌عنوان فرصتی برای بررسی گزینه‌های مشخص اصلاح عدم‌توازن در سهم کشورها، افزایش پایه سرمایه گروه بانک جهانی و تقویت مشروعیت و حکمرانی مطلوب این نهاد چندجانبه تأکید کرد.

ماجد در تشریح این موضع تأکید کرد که هدف از اصلاح نظام سهامداری باید رفع عدم‌توازن‌های موجود، تقویت ظرفیت سرمایه‌ای گروه بانک جهانی و ارتقای مشارکت مؤثر کشورهای در حال توسعه در ساختار حکمرانی و تصمیم‌گیری این نهاد باشد. این پیشنهاد بر ضرورت توجه هم‌زمان به افزایش ظرفیت مالی گروه بانک جهانی و بهبود عدالت و توازن در ساختار نمایندگی کشورهای عضو تأکید دارد.



بانک مرکزی تصریح کرد: «موضوع اصلی از نظر ما این است که کمک‌های مالی داوطلبانه نباید در فرمول جدید محاسبه سهمیه‌ها وارد شوند.» این پیشنهاد ناظر بر یکی از موضوعات بنیادین اصلاح حکمرانی صندوق بین‌المللی پول، یعنی نحوه تعیین سهمیه کشورها و پیامدهای آن برای جایگاه و نمایندگی اعضا در ساختار تصمیم‌گیری این نهاد است. در این چارچوب، نماینده کشور ایران خواستار آن شد که بازنگری در فرمول سهمیه‌ها به تقویت اصلاحات معنادر و حفظ جایگاه اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه منجر شود و مخالفت با ورود کمک‌های مالی داوطلبانه به فرمول سهمیه‌ها به روشنی در متن بیانیه منعکس گردد. سومین محور ورود به مباحث توسط نماینده کشور ایران به اصلاح نظام سهامداری و حکمرانی گروه بانک جهانی اختصاص داشت.

نماینده کشور ایران با اشاره به بازنگری سهامداری سال ۲۰۲۵ و ضرورت تعیین تکلیف سهام تخصیص‌نیافته بانک بین‌المللی تریم و توسعه (IBRD) و شرکت مالی بین‌المللی (IFC)، خواستار توجه به گام‌های بعدی در ساختار سهامداری این دو نهاد شد. وی همچنین بر اهمیت بازنگری سهامداری سال ۲۰۳۰ به‌عنوان فرصتی برای بررسی گزینه‌های مشخص اصلاح عدم‌توازن در سهم کشورها، افزایش پایه سرمایه گروه بانک جهانی و تقویت مشروعیت و حکمرانی مطلوب این نهاد چندجانبه تأکید کرد.

ماجد در تشریح این موضع تأکید کرد که هدف از اصلاح نظام سهامداری باید رفع عدم‌توازن‌های موجود، تقویت ظرفیت سرمایه‌ای گروه بانک جهانی و ارتقای مشارکت مؤثر کشورهای در حال توسعه در ساختار حکمرانی و تصمیم‌گیری این نهاد باشد. این پیشنهاد بر ضرورت توجه هم‌زمان به افزایش ظرفیت مالی گروه بانک جهانی و بهبود عدالت و توازن در ساختار نمایندگی کشورهای عضو تأکید دارد.